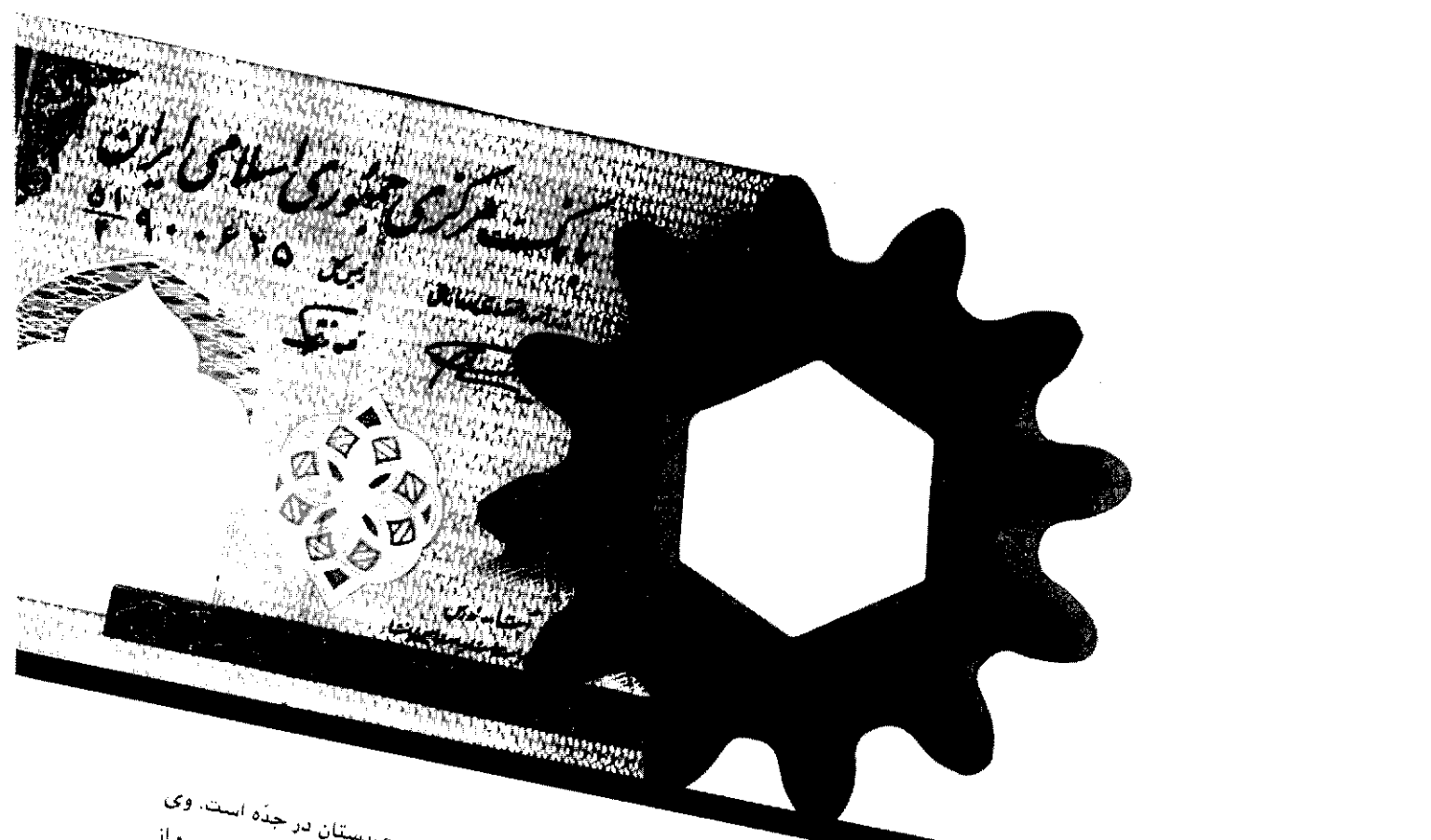


# اقتصاد اسلامی

## رئیس‌نگار و بیانگدار اقتصاد اسلامی در ایران

دکتر معبدعلی الجارحی  
ترجمه: واحد ترجمه نشریه



### اشاره

دکتر معبدعلی الجارحی اندیشمند مسلمان مصری و رئیس مرکز تحقیقات توسعه اسلامی عربستان در جده است. وی فارغ التحصیل دکتری اقتصاد از آمریکا، دارای بیست و پنج سال فعالیت پژوهشی و آموزشی در زمینه بانکداری اسلامی و از کارشناسان و استادان به نام این رشته محسوب می‌شود. ایشان در تابستان ۱۳۸۳ بنا بر دعوت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، در این مؤسسه به تدریس اقتصاد اسلامی در مقطع دکتری پرداختند. وی در یکی از نشست‌های خویش در تبیین اقتصاد اسلامی و جایگاه اوراق بهادار در بورس اسلامی ضمن بیان دیدگاه‌های خود، به پرسش‌های حاضران در جلسه پاسخ دادند که در ذیل از نظر شما می‌گذرد.

۵۳

## [جایگاه اقتصاد اسلامی]

«اقتصاد اسلامی» از بیش از ربع قرن - حدود سی یا سی و پنج سال - به این سو رشد تازه‌ای یافت. علم اقتصاد اسلامی، که پیوسته در حال تکامل و گسترش و ریشه دار تر شدن می‌باشد، از تمامی تحولات درونی خود علم اقتصاد بهره‌مند است.

اقتصاد اسلامی مکتبی به رسمیت شناخته شده در میان مکاتب اقتصادی، و جزئی از یک شاخه شناختی (معرفتی) یعنی دانش اقتصاد است. مسلمانان در ایجاد این شاخه از شناخت مشارکت داشته‌اند. نویسندگان مسلمان حتی قبل از غربی‌ها دست به کار نگارش در این باب زده‌اند و از این‌رو، ما نیز همانند غربی‌ها در علم اقتصاد سهیم هستیم. ما همچنین افتخار می‌کنیم که علم اقتصاد اسلامی با ارزش‌های اسلامی مرتبط است؛ زیرا این ارزش‌ها به نفع بشریت است و خداوند با عنایت آن به ما خواسته تا تمام مردم را از آن بهره‌مند سازیم؛ چرا که خداوند متعال به حال ما داناتر و به مصلحت ما آگاه‌تر است.

از جمله مهم‌ترین پایه‌های اقتصاد اسلامی، حرمت رباست. آنچه که اقتصاد اسلامی و نیز بازارهای بورس اسلامی را متمایز می‌گرداند، حرام بودن ربا می‌باشد.

## [بازارهای بورس اسلامی]

وظیفه بازارهای بورس اسلامی یا بازارهای بورس موجود در اقتصاد اسلامی آن است که منابع مالی را تجهیز نمایند تا به سوی سرمایه‌گذاری‌هایی پیش روند که به نفع امت اسلام باشد. انجام این عمل باید به روشی غیرربوی صورت پذیرد. ما می‌دانیم در بازار بورس، اوراق بهادار داد و ستد می‌شود. اوراق بهادار عبارت است از قراردادی کوچک و مختصر که در آن به جای نگارش تفصیلی رایج در قراردادهای عرف جایگزین می‌شود. از این‌رو، مبادله آن در میان مردم آسان‌تر می‌گردد و برای تعداد زیادی از مسلمانان امکان سرمایه‌گذاری از طریق این قراردادها یا به اصطلاح اوراق بهادار فراهم می‌گردد.

این وسیله بهادار، در نظام اسلامی می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد: اولین و رایج‌ترین آن‌ها در زمان کنونی سهام می‌باشد. سهام عبارت است از اوراق بهاداری که به صاحبش این حق را می‌دهد که در سودهای حاصل از یک شرکت سهامی، که بر اساس قوانین عقد در اسلام سرمایه خود را در آن به کار گرفته، شریک باشد. قرارداد مشارکت مستلزم ارائه سرمایه از جانب صاحب سرمایه از یک سو، و شرکت در اداره آن از سوی دیگر می‌باشد؛ یعنی کسی که سرمایه می‌دهد، در مدیریت آن نیز مشارکت می‌کند. بنابراین، سهامدار - یعنی کسی که اوراق بهادار موسوم به سهام را در اختیار دارد - از دو جهت در امر مدیریت سرمایه سهیم است:

۱. وی هر سال در نشست‌ها و جلسات سهامداران حضور می‌یابد تا نحوه اداره شرکت را بررسی کند.

۲. سهامدار در انتخاب یا گزینش مدیران شرکت نقش دارد. سهامداران ناظر بر فعالیت مدیران هستند و اگر بخواهند می‌توانند آنان را عزل یا در صورت موفقیت به ایشان پاداش دهند.

این سهام در بازار داد و ستد می‌شود و داد و ستد آن شرعاً بلااشکال است؛ زیرا سهام حق عینی و حقیقی مشترک و همگانی است. به همین دلیل شرعاً داد و ستد آن جایز است؛ چرا که معامله سهام معامله نقد با نقد نیست، بلکه معامله نقد با حقوق عینی است. از این جهت، داد و ستد و هرگونه خرید و فروش این سهام به دو شرط حلال می‌باشد:

۱. شرکت معاملات حرام انجام ندهد، مثل معامله مواد مخدر و خمر و آنچه برای مردم ضرر دارد.

۲. شرکت از ربا استفاده نکند؛ نه ربا بگیرد و نه ربا بدهد.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که سهام شرکت‌هایی که گاهی ربا می‌دهند چه می‌شود؟ لازم است به این نکته توجه کنیم؛ زیرا بیشتر شرکت‌ها همیشه و در تمام اوقات ربوی عمل می‌کنند و از این‌رو، معامله سهام آن‌ها شرعاً جایز نیست. اما اگر فرد تحت فشار و به واسطه نیاز مجبور باشد مقداری پول نزد بانک‌های ربوی داشته باشد یا قرض ربوی بگیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فرض کنیم این مقدار قرض گرفتن یا قرض دادن مثلاً ۵ درصد از فعالیت این شرکت را شامل شود، در این صورت چه کار باید کرد؟

از آنجا که ما در یک جهان غیر اسلامی زندگی می‌کنیم و بازارهای بورس جهانی بر بازارهای اسلامی غلبه دارند و نیز از آنجا که بازارهای بورس در بسیاری از کشورهای اسلامی تهی از شرکت‌های اسلامی است (شرکت‌هایی که معامله در آن‌ها صرفاً با قواعد شریعت همخوانی داشته باشد)، برخی از فقها جایز دانسته‌اند که مسلمانان در سهام شرکت‌هایی که گاه ربوی عمل می‌کنند، تصرف نمایند؛ اما این اجازه به این شرط است که سهامدار سودهایی را که در نتیجه معاملات ربوی به دست می‌آید تخمین بزند و آن را جدا نماید؛ زیرا این سودها ناپاک‌اند و سهامدار نمی‌تواند آن را برای خود یا فرزندانش خرج کند و تنها می‌تواند آن را به مستمندان ببخشد. البته این بخشیدن صدقه به حساب نمی‌آید، بلکه هدف آن تطهیر و پاک‌سازی اموال می‌باشد. بنابراین، اگر معاملات ربوی مثلاً ۵ درصد از فعالیت‌های شرکت را تشکیل دهد، سهامدار باید ۵ درصد از سود سهام را کنار گذارد و به مستمندان ببخشد.

این اولین ابزار مهم در این زمینه است. روش‌های دیگری هم وجود دارد که می‌تواند در بازارهای بورس اسلامی مورد استفاده قرار گیرد:

۱. گواهی‌ها یا اسناد سرمایه‌گذاری. می‌توان گواهی را به معنای سند و برعکس استفاده کرد. منظور، اوراق بهادار یا سندی است که در بازار مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. این اسناد برای جمع‌آوری پول به منظور سرمایه‌گذاری یا پرداخت به عوامل کارگزار به کار می‌رود؛ یعنی از سوی خریدار به عنوان مضاربه به کارگزاران شرکت پرداخت می‌شود. حامل گواهی‌ها یا اسناد سرمایه‌گذاری در اینجا همانند مضاربه‌گر و صاحب سرمایه است و این سرمایه را به عنوان مضاربه در اختیار عاملان شرکت قرار می‌دهد تا به کار گرفته و در راه حلال سرمایه‌گذاری کنند. در نتیجه، این اسناد به عنوان حق عینی و قابل داد و ستدی است که قیمت آن - که بسته به نوسانات قیمت داد و ستد، روزانه تغییر می‌کند - میانگین سود قابل انتظار از سرمایه‌گذاری یا مضاربه را پس از پایان زمان آن (بعد از یک سال یا هر زمان دیگری؛ بر حسب زمان پرداخت سود یا عواید

نیز می‌تواند با صدور اوراق سرمایه‌گذاری، پول و سرمایه‌های در دست مردم را جذب کرده و در بانک‌های اسلامی سرمایه‌گذاری کند، و در نتیجه، این اوراق از اطمینان و قابلیت داد و ستد بیشتری برخوردار شده و مردم به آن‌ها بیشتر روی می‌آورند. دلیل این امر آن است که اوراق منتشر شده، سرمایه‌گذاری شده‌اند یا به دلیل آنکه سرمایه حاصله از سوی دولت در تعداد بسیار زیادی از بانک‌های تحت نظارت دولت، سرمایه‌گذاری شده، از درجه امنیت و سود بسیاری برخوردار می‌باشند؛ چراکه بانک مرکزی این پول‌ها را بر اساس معیارها و قواعد کارآیی، در میان بانک‌های گوناگون توزیع می‌کند.

شرکت‌های تولیدی نیز می‌توانند به انتشار این‌گونه اوراق اقدام کنند. در واقع، هم بانک مرکزی، هم سایر بانک‌ها و هم شرکت‌های تولیدی که به سرمایه‌گذاری در بخش تجارت، کشاورزی و صنعت می‌پردازند و می‌توانند این‌گونه اوراق را



مضاربه) منعکس می‌کند.

بنابراین، این معامله هم نوعی از انواع اوراق بهادار است که می‌تواند در بازارهای بورس اسلامی داد و ستد شود؛ یعنی اسناد یا اوراق سرمایه‌گذاری. بانک‌های اسلامی می‌توانند به صدور این‌گونه اوراق اقدام کرده و از طریق آن‌ها به جذب سرمایه‌هایی دست بزنند که به صورت مضاربه در شرکت‌های گوناگون قابل سرمایه‌گذاری است. در واقع، وقتی که فرد مسلمان این‌گونه اوراق را از بانک صادرکننده خریداری می‌کند، گویی با این کار، پول خود را به عنوان مضاربه به بانک می‌پردازد و بانک‌ها با گرفتن این پول و پرداخت آن به شرکت‌ها به صورت مضاربه بر اساس قاعده شرعی «المضارب یضارب» عمل می‌کنند.

### [انتشار اوراق بهادار]

شرکت‌ها این پول‌ها را سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود حاصله را به بانک مربوط باز می‌گردانند. بانک نیز پس از برداشتن کارمزد مدیریت این اسناد، سود مزبور را در میان صاحبان اسناد سرمایه‌گذاری، توزیع می‌کند. بانک مرکزی در حکومت اسلامی

منتشر کرده و با جذب پول‌های مردم، سود حاصله را به دارندگان این اوراق، یعنی کسانی که اوراق را خریداری کرده‌اند، بپردازند. اما نکته‌ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شرکت‌هایی که به انتشار اسناد (اوراق) سرمایه‌گذاری در بازار بورس می‌پردازند، باید وضعیت مالی خود را به طور کامل روشن کنند؛ یعنی شرکت باید آماده ارائه هرگونه اطلاعات مربوط به حساب و کتاب و کارهای خود به صورت ادواری (مثلاً ماهانه یا حداکثر هر سه ماه یک بار) به شورای [سیاست‌گذاری] بورس باشد تا این فرصت برای داد و ستدکنندگان اوراق فراهم باشد که از این اطلاعات آگاهی یابند؛ زیرا کسی که به انتشار اوراق سرمایه‌گذاری پرداخته و آن‌ها را در بازار بورس به معرض فروش می‌گذارد، باید اطلاعات مربوط به خود را به طور کامل در اختیار خریداران قرار دهد؛ خواه این اوراق بهادار، سهام باشد یا اسناد مربوط به سرمایه‌گذاری.

سومین نوع از انواع اوراق بهادار اسلامی را که می‌توان در بازار بورس منتشر کرد، اوراق بهادار ترکیبی یا مرکب است. ترکیب چگونه به دست می‌آید؟ به این نحو که مثلاً پروژه

مشخص و بزرگی نظیر پروژه ساخت نیروگاه تولید انرژی برق وجود داشته باشد که با اتمام آن برق با قیمت مشخص به مردم فروخته شود و سود معینی به دست آید. می توان بودجه این پروژه را از طریق انتشار اسناد مشخص و مخصوص این طرح تأمین کرد. این اسناد را بانک‌های اسلامی که تأمین سرمایه لازم را برای اجرای این طرح بر عهده دارند، منتشر می‌کنند و وظیفه نظارت و حصول اطمینان از سلامت سرمایه‌گذاری و اداره آن را بر عهده دارند. این یک نوع ترکیب است.

نوع دیگر ترکیب این است که مثلاً یک پیمانکار نیاز به مصالح زیادی برای احداث یک بنای مشخصی دارد و برای احداث آن قراردادی با دولت یا با بانکی و یا شرکتی به مبلغ مشخصی منعقد کرده است؛ یعنی احداث این بنا بر اساس استانداردهای معین و قیمت و بهای از پیش تعیین شده‌ای صورت می‌پذیرد و پیمانکار برای خرید مصالح و به کار بردن آن در احداث بنا به سرمایه نیاز دارد.

فرض کنیم احداث این بنا یکصد میلیون هزینه برمی‌دارد و بهای آن یکصد و پنجاه میلیون است؛ یعنی سود آن پنجاه درصد است و پیمانکار نیمی از این مبلغ را دارد؛ یعنی پنجاه میلیون، و به پنجاه میلیون دیگر نیاز دارد. در این صورت، بانک اسلامی می‌تواند این مبلغ را به پیمانکار بدهد و اوراقی را برای سرمایه‌گذاری در احداث این بنا منتشر کند. این اوراق پول لازم برای خرید مصالح را تحت عنوان مشارکت در احداث این بنا فراهم می‌کند و درصدی از سود از پیش تعیین شده را به خود اختصاص می‌دهد؛ یعنی ۵۰ میلیون از پنجاه درصد سود دوران دوساله یا سه‌ساله مربوط به احداث بنا را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین، اوراق مذکور اسناد قابل داد و ستد هستند و درصد سود معینی نیز دارند و بانک تأمین‌کننده سرمایه برای اجرای پروژه، به آن رسیدگی و نظارت می‌کند. برای مثال، دولت طرح‌های مشخصی برای اجرا دارد. به جای اینکه از مردم یا بانک‌ها قرض بگیرد، یا از بانک مرکزی برداشت کند و موجب کسری در بودجه و ایجاد تورم در اقتصاد شود، می‌تواند چنین اوراقی را منتشر و سرمایه موردنیاز را تأمین کند.

مؤسسه‌های مالی، یعنی بانک‌ها، شرکت‌ها و نیز دولت و غیره تماماً می‌توانند اسنادی برای تأمین سرمایه طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی منتشر کنند. بنابراین، چنین اسنادی متنوع و در انواع سررسیدهای گوناگون خواهند بود، همانند سایر اوراق که انواع و سررسیدهای مختلفی دارند و داد و ستد می‌شوند؛ زیرا بازار بورس دو نوع است: بازار اولیه و ثانویه. در ابتدا اوراق بهادار، سهام، اسناد یا گواهی‌ها در بازار بورس اولیه صادر، و سپس داد و ستد می‌شود؛ و در بازار ثانویه فروخته و خریداری می‌گردد. اقتصاد اسلامی نیز با تنوع ابزارهای پولی و اینکه در میان آن‌ها ابزارهایی وجود دارد که به صورت سهام

پول‌هایی را که در جریان فعالیت‌های واقعی به دست می‌آید، به مشارکت می‌گذارد، از سایر اقتصادها متمایز می‌گردد. یعنی داد و ستدها و چنین معامله‌ای غیرواقعی و غیرحقیقی نیست، بلکه ما به عنوان مسلمان در بازار بورس با دارایی‌هایی سر و کار داریم که غالب آن‌ها حقیقی هستند؛ برخی از آن‌ها نقدی و برخی دیگر عینی و حقیقی. در عین حال، اغلب حقیقی و عینی‌اند. حال اگر نقد بودن وجه غالب باشد، داد و ستد آن حرام است، اما از آنجا که عینیت و حقیقی بودن بر آن غلبه دارد، لذا داد و ستد آن شرعاً صحیح است.

فرایندی که در بازار بورس اسلامی جریان دارد، با قمار رابطه‌ای ندارد؛ بدین معنا که ما به عنوان مسلمان وارد بازار بورس می‌شویم و به عنوان یک معامله‌گر و سرمایه‌گذار مسلمان سرمایه خود را به یک تولیدکننده می‌سپاریم و او این سرمایه را به کار می‌گیرد و سود می‌کند و سپس سرمایه و سود حاصل را به کسی که اوراق و اسناد یا سهام را در اختیار دارد، بازمی‌گرداند. در این وضعیت این فرایند حقیقی است و قمار نیست. خلاصه اینکه در بازار بورس اسلامی ابزارهای پولی متعددی وجود دارد و معامله اوراق در آن از شکل منحصر به فردی برخوردار است. به کارگیری سرمایه حاصل از این روش تنها در فعالیت‌های حلال منحصر می‌شود و شرکت‌هایی که از این بازار پول دریافت می‌کنند، نمی‌توانند آن را در فعالیت‌های حرام به کار برند. همچنین به کارگیری این پول در اعطای وام‌های ربوی جایز نیست. در بورس اسلامی فرایندها حقیقی است و قمار نیست و در نهایت، معامله در این بازار به صورت نقد با نقد نیست، بلکه معامله نقد با کالا یا کالا با پول نقد است. البته، گاهی هم که اسنادی برای فعالیت‌ها وجود دارد، در مرحله اول پول پرداخت می‌شود و سپس صاحب سرمایه کالا را دریافت می‌کند؛ یعنی همانند قرارداد «پیش خرید» در اسلام. بنابراین، بر طبق برخی آراء فقهی می‌توان اسناد یا اوراق پیش‌خرید را صادر نمود تا در روند فعالیت سرمایه‌گذاری شود. در نتیجه، این نوع داد و ستد معامله پول با کالا نیست، بلکه کالا با پول است.

فعالیت بازار بورس بسته به وسعت آن، در فعالیت کل اقتصاد تأثیر بسیاری دارد. هرچه بازار بورس گسترده‌تر و ابزارهای آن بیشتر و متنوع‌تر باشد مردم به همان میزان بیشتر می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند و در عین حال، هر زمان که بخواهند می‌توانند از مشارکت [در سرمایه‌گذاری] دست بردارند. بدین معنا که ابزارهای پولی اسلامی به دارندگان انعطاف‌پذیری بیشتری می‌بخشد؛ زیرا فرد می‌تواند پول خود را در آن‌ها سرمایه‌گذاری کند و هر زمان که خواست از فرایند سرمایه‌گذاری خارج سازد و اوراق و اسناد مربوط را بفروشد. پس این ابزارها انعطاف و گردش‌پذیری بیشتری دارند. همچنین

این بازارهای بورس، بانک‌ها را نیز در امر سرمایه‌گذاری و جوششان در زمان‌های کوتاه یاری خواهند کرد. بانک‌ها می‌توانند برخی اسناد یا اوراق را برای مدتی کوتاه خریداری کرده سپس آن را بفروشند. زمانی که انعطاف و گردش‌پذیری به میزان زیاد وجود داشته باشد پول را نقد نمی‌ماند، بلکه پیوسته سرمایه‌گذاری می‌شود.

بازار بورس اسلامی به مسلمانان این امکان را می‌دهد که از توسعه حمایت نمایند و در فعالیت‌های توسعه‌مدار، به روشی انعطاف‌پذیر و مشروع سرمایه‌گذاری کنند.

### تفاوت ابزارهای پولی اسلامی با ابزارهای پولی کلاسیک

ابزارهای پولی اسلامی در دو مورد با سایر ابزارهای پولی کلاسیک تفاوت دارد:

۱. امکان مذاکره و گفت‌وگو در جهت تعیین درصد سود وجود دارد و پس از تعیین این درصد، تخلف از آن جایز نیست. ما می‌دانیم هنگامی که فرد پول خود را به عنوان مضاربه به عامل کارگزار می‌سپارد یا او درباره درصد بهره‌مندی از سود به گفت‌وگو می‌تشنید. ما، پیشاپیش، درصد سود را نمی‌دانیم، بلکه می‌خواهیم میان مضاربه‌گر و عامل کارگزار بر سر تقسیم سود توافق حاصل کنیم. این همان چیزی است که نرخ مشارکت در سود نامیده می‌شود؛ اینکه سودی که خداوند به مشیت و توفیق خود روزی فرد کرده، چگونه میان عامل کارگزار و صاحب سرمایه تقسیم می‌شود؟ آیا ۱۰ درصد متعلق به عامل کارگزار و ۹۰ درصد آن به صاحب سرمایه تعلق دارد یا ۲۰ به ۸۰ یا ۳۰ به ۷۰ و... است؟

پس معلوم می‌شود که زمینه گسترده‌ای برای گفت‌وگو درباره درصد سهم شدن در سود میان مضاربه‌گر و عامل کارگزار وجود دارد. در حالی که این زمینه گسترده برای گفت‌وگو، در ابزارهای پولی کلاسیک وجود ندارد.

۲. فرق دوم آن است که وقتی نرخ سود ابزارهای پولی بالا رود، مردم در این حال انگیزه بیشتری برای پس‌انداز کردن پیدا می‌کنند؛ زیرا به پولشان سود بیشتری تعلق خواهد گرفت و در نتیجه، پس‌اندازها افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، افزایش سود به این معناست که سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد با موفقیت و توفیق بیشتری قرین گشته است؛ یعنی این امر سرمایه‌گذاران را به افزایش سرمایه‌گذاری‌های خود ترغیب خواهد کرد و به این خاطر هنگامی که نرخ سود در بازار بورس افزایش می‌یابد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری هم در آن واحد افزایش پیدا می‌کند. لذا در اهداف نوعی هماهنگی و توافق وجود دارد و با هم مغایرتی ندارند.

اما در بازارهای کلاسیک هنگامی که نرخ سود و ربا افزایش می‌یابد، پس‌اندازها زیاد می‌شود. اما سرمایه‌گذاران در نرخ سود شاهد هزینه‌بری سرمایه‌گذاری هستند و در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌ها کاهش می‌یابد. لذا در اقتصاد کلاسیک یا ربوی در اهداف توافق و سازشی وجود ندارد.

به هر حال، در این مجال کوتاه برخی ویژگی‌های بازارهای اسلامی در مقایسه با بازارهای مالی کلاسیک را بیان کردیم.

### در بازار بورس اسلامی به چه موضوعات مهمی باید پرداخت؟

دکتر الجارحی: در بحث از بازار بورس اسلامی، ابتدا باید اطمینان یابیم که پول در اختیار کسی قرار داده می‌شود که آن را در راه حلال به کار می‌برد و با آن رباخواری نمی‌کند یا وارد تجارت کالاهای حرام نمی‌شود. نکته دوم این است که خود اسناد یا اوراق بهادار باید به گونه‌ای طراحی شوند که انعطاف‌پذیر و قابل واگذاری باشند و حقوق دو طرف حفظ شود؛ یعنی به منزله قراردادی میان دو طرف باشد؛ از یک سو، سرمایه‌گذاری که این اوراق را خریداری کرده، حقوق روشن و معینی داشته باشد و از سوی دیگر، کسی که سرمایه را به دست می‌گیرد، دارای حقوق روشن و مشخصی باشد.

همچنین بازار بورس باید شورایی داشته باشد که بر آن نظارت کند و از حسن روند داد و ستد اطمینان یابد و نیز نسبت به فراهم بودن اطلاعات و اینکه شرکت‌ها و مؤسسات صادرکننده اوراق، به اندازه کافی اطلاعات در اختیار خریداران می‌گذارند و اوراق بهادار در شفافیت و وضوح کافی، داد و ستد می‌شوند، اطمینان حاصل کند.

همچنین ما باید اطمینان یابیم که امکان معامله اوراق در این بازار بورس برای همه مردم با هزینه معقول فراهم است و تنها به ثروتمندان اختصاص ندارد. سرانجام آنکه، باید کسانی باشند که با ترسیم علایم لازم در بازار بورس، امکان پی‌گیری دائم تغییرات برای همگان را فراهم آورند.

بی‌شک در بازار بورس اسلامی فقه اسلامی کاربرد دارد؛ یعنی ما براساس اصول فقه اسلام عمل می‌کنیم و در حقیقت، روابط پولی در بازار بورس بر پایه‌های فقه اسلام ساماندهی می‌شود. از این رو، آیا می‌توان در آن عدالت اقتصادی را ملحوظ داشت؟ چگونه؟

دکتر الجارحی: نخستین وسیله تحقق این هدف خودداری از ریاست؛ چرا که ربا دربردارنده ظلم و ستم بسیاری است. اگر ما از ربا اجتناب و از ابزارهای پولی‌ای که بر پایه رباخواری بنا می‌شوند، جلوگیری کردیم، بخش بزرگی از عدالت اجتماعی را تحقق بخشیده‌ایم.

ما همچنین باید تلاش کنیم که این اوراق با نرخ‌های اندک صادر شوند و برای سرمایه‌گذاران جزء هم در دسترس باشند به طوری که آن‌ها نیز بتوانند از این اوراق و از سرمایه‌گذاری پول خود در این بازار بهره‌مند گردند. قیمت اوراق در بازار بورس نباید چند هزار یا چند میلیون باشد، بلکه باید مثلاً دهگانی باشد به طوری که مستمندان نیز بتوانند از این بازار بهره‌مند گردند.

جهت دوم برای تحقق عدالت اجتماعی آن است که بازار بورس باید در دسترس سرمایه‌گذاران کوچک نیز باشد تا آنان نیز بتوانند طرح‌های خود را از طریق بورس تأمین کنند و نباید



تنها به شرکت‌های بزرگ و مؤسسات مالی کلان محدود شود. همه این امور و فرایندها به تحقق عدالت اجتماعی در جریان داد و ستد در بازار بورس اسلامی کمک می‌کنند.

**در اوضاع و شرایط کنونی اسلام، مسئله دارای اولویت کدام است؟ آیا ما باید پیرامون مبانی اقتصاد اسلامی مطالعه کنیم یا باید به دنبال الگوی اقتصاد اسلامی باشیم؟ به عبارت دیگر، آیا ارائه مبانی اقتصاد اسلامی در اولویت است یا تبیین الگوی اقتصاد اسلامی؟**

**دکتر الجارحی:** در حقیقت، وظیفه ما هم تحقیق و پژوهش در مورد الگوی اقتصاد اسلامی است و هم تعیین پایه‌های اقتصاد اسلامی، البته، من تصور می‌کنم در خصوص این موضوع کار زیادی شده است. مهم‌ترین چیزی که ما هم اکنون بدان نیاز داریم سیاست‌های عملی‌سازی و اجراست. ما هم اینک

الگوهای لازم و پایه‌ها را داریم و در تعیین این پایه‌ها و ایجاد این الگو، گام بلندی برداشته‌ایم. چیزی که اکنون نیاز داریم این است که چطور این الگوها را پیاده کنیم؟ فرمایش خداوند در قرآن را به یاد آورید که می‌فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ (فرقان: ۳۰) قرآن هنوز هم «مهجور» است. ما هرگز تنها با الگوها و پایه‌ها (مبانی) به سوی قرآن باز نخواهیم گشت، بلکه با عمل این کار ممکن است. ما باید به دنبال کشف ابزارهای این عملی‌سازی باشیم. مثلاً چگونه بانکداری اسلامی را عملی کنیم؟ یا چگونه سیاست‌های پولی و مالی اسلامی را پیاده کنیم؟ چگونه توسعه اقتصادی به روش اسلامی داشته باشیم؟ و چگونه با یک روش معین و سازمان یافته‌ای، فرایند پیاده‌سازی و اجرا را آغاز کنیم؟ سیاست‌های این عملی‌سازی کدام است؟ این‌ها چیزهایی است که ما هم اکنون بدان‌ها نیاز داریم.

**روش عملی و ممکن برای اجرای نظام بانکداری اسلامی کدام است؟ در حقیقت، از آنجایی که قراردادهای اسلامی مانند مضاربه یا مشارکت با سوء انتخاب یا محرومیت یا اطلاعات غیرهمسان ارتباط دارند، راه‌حل اساسی برای مشکل اطلاعات غیرهمسان، محرومیت و سوء انتخاب‌ها چیست تا با رفع این مشکلات، به پیاده‌سازی نظام بانکی اسلامی در بخش‌های اقتصادی جامعه اسلامی همت گماریم؟**

**دکتر الجارحی:** برای گذر از نظام [اقتصادی] کلاسیک به نظام اسلامی نیازمند یک طرح هستیم. گذر از نظام کلاسیک به یک نظام اسلامی ناگهانی انجام نمی‌گیرد، بلکه به برنامه‌ریزی و زمان نیاز دارد. ابتدا باید برای این منظور طرحی در نظر بگیریم و یک جدول زمانی برای آن تعیین کنیم تا اجرای آن با تعلق و تعویق‌های پی در پی مواجه نشود. این طرح عناصر اصلاح اقتصادی لازم برای تبدیل اقتصاد کلاسیک ما به اقتصاد اسلامی را مشخص می‌کند که در برخی مقالات خود، بدان اشاره داشته‌ام. به طور خلاصه، توجه به قوانین تجارت و اصلاح مالیات‌ها و اصلاح نظام بانکی و تأسیس بانک‌های فراگیر و جامع در این راستا می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

**آیا افزایش منابع مالی زیاد موجب افزایش میزان سود و کاهش ریسک می‌شود؟**

**دکتر الجارحی:** بله، اساساً وقتی بانک فراگیر و جامع در شرکتی سهم‌گذاری می‌کند و سرمایه در اختیار آن قرار می‌دهد؛ یعنی تأمین مالی می‌کند، اولاً، به آن در حل مشکلات کمک می‌کند؛ ثانیاً، در جریان رقابت از آن حمایت می‌کند. به این معنا که در واقع، این شرکت توسط بانک فراگیر تأسیس شده و

بنابراین، بانک جامع آن را سرپرستی و سهام‌داری می‌کند و همه نیازهای آن را تأمین می‌کند و بر همه فعالیت‌های آن نظارت دارد. در این حال، وقتی بانک فراگیر سراغ شرکت رقیب نمی‌رود تا آن را تأمین مالی کرده و به همین روش آن را یاری دهد، در حقیقت، در این رقابت از شرکت طرف قراردادش حمایت می‌کند. به همین دلیل، این شرکت سودآوری بیشتری در مقایسه با شرکتی که با بانک فراگیر تعامل ندارد و با بانک‌های مختلف سر و کار دارد، خواهد داشت. البته همه این بانک‌ها به شرکت اخیر سرمایه می‌دهند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به آن توجه ویژه ندارند.

### از آنجایی که تأمین مالی به وسیله بانک‌های تجاری هم انجام می‌شود، فرق این بانک‌ها با بانک فراگیر و جامع چیست؟

**دکتر الجارحی:** مسئله تنها تأمین سرمایه نیست. مسئله شرایط این سرمایه‌گذاری است. بانک فراگیر به این شرکت با شرایط مناسب سرمایه می‌دهد و آن را به هنگام بروز مشکلات یاری می‌دهد و در جریان رقابت حامی آن است. این ویژگی‌ها موجب افزایش سود شرکت می‌شود.

### در این صورت، بانک توان چانه‌زنی بالایی در تعیین شرایط دارد.

**دکتر الجارحی:** در حقیقت، این امری طبیعی است. اگر به شرکتی که از سوی چند بانک تأمین مالی می‌شود بنگریم، می‌بینیم شرکت به رابطه با یک بانک معین مقید نیست. انتظار می‌رود که اساساً این بانک‌ها برای اعطای سرمایه به شرکت با هم رقابت کنند و در نتیجه، با شرایط کمتری سبب شوند شرکت سود بیشتری به دست آورد. اما در صحنه عمل چنین چیزی وجود ندارد. چرا؟ برای اینکه در بازار بورسی که بانک‌های فراگیر در آن وجود دارند، مانند بورس آلمان، این قاعده بر آن منطبق نیست؛ زیرا بانک‌های فراگیر شرکت‌هایی را که در آن سهام‌گذاری کرده‌اند، یعنی شرکت‌های تابع خود را ترجیح می‌دهند. بانک شرکت تابع خود را دارد و با شرایط بهتری به آن سرمایه می‌دهد و نیازی به چانه‌زنی نیست. اما به شرکت‌های دیگر این شرایط مناسب را ارائه نمی‌کند. در نتیجه، از شرکت تابعه خود در این رقابت حمایت می‌کند.

بنابراین، روشن شد در اقتصاد آلمان شرکتی که با یک بانک در تعامل است سود بیشتری دارد. این مسئله در دنیا دور از انتظار است. اما واقعیت موجود همین است و این چیزی است که اتفاق افتاده است. ما تلاش می‌کنیم به سه دلیل این امر را توجیه کنیم:

۱. تأمین سرمایه با شرایط خاص. به این معنا که این نوع

[سرمایه‌گذاری] به دلیل رابطه ویژه‌ای همچون رابطه دوستی انجام می‌پذیرد؛

۲. کمک به حل مشکلات؛

۳. پشتیبانی در رقابت‌ها.

همه این مسائل موجب می‌شود شرکت سود بیشتری داشته باشد. این‌ها کسانی هستند که واقعیت‌های موجود را کشف کرده‌اند.

اگر آنچه را که درباره بانک‌های فراگیر گفتیم با آنچه بانک‌های اسلامی پیاده می‌کنند، مقایسه کنیم، چه تفاوتی میان تئوری و عمل خواهیم یافت؟ یعنی آیا عملاً بانک‌های اسلامی از این واقعیت‌های تئوریک و عملی موجود در بازار [بورس] استفاده می‌کنند؟ با کمال تأسف واقعیت این است که بانک‌های اسلامی، اغلب، بانکداری فراگیر را به کار نمی‌گیرند.

در بحرین بانکی وجود دارد که حدود چند سال پیش - نزدیک به ۵ سال پیش - تأسیس شده و یکی از دوستان من ریاست آن را بر عهده دارد. او یک سعودی به نام دکتر سعید طان است. وی تلاش می‌کند به مثابه یک بانک فراگیر عمل نماید و گفته می‌شود که موفقیت زیادی به دست آورده است. اما معمولاً و با کمال تأسف هرگاه در یک کشور اسلامی بانکی تأسیس می‌شود، کسانی را که در بانک‌های ربوی تجارتی فعالیت دارند، به کار می‌گیرند؛ زیرا ما در کشورهای اسلامی نظام‌های بانکی خود را از آمریکا و انگلیس و غیره کپی برداری کرده‌ایم. بنابراین، کسانی که در این بانک‌ها کار می‌کنند چیزی از نظام بانک‌های فراگیر نمی‌دانند و آن را پیاده نمی‌کنند.

مسئله دوم این است که بانک‌های اسلامی از سهام‌گذاری و مشارکت خودداری می‌کنند و اغلب سرمایه‌گذاری‌هایشان از طریق مراجه<sup>(۱)</sup> پیش خرید، اجاره، فروش مهلت‌دار و غیره انجام می‌پذیرد. همان‌گونه که قبلاً گفتیم، برخی از فقها از بانک‌های اسلامی کنونی آزاده‌خاطرند و معتقدند این بانک‌ها مراجه می‌کنند. همانند آنچه که فقها در گذشته می‌گفتند، یعنی این‌ها اهل چاره‌جویی برای تعامل با رباخواری‌اند؛ هرچند که از نظر شکلی چنین نیست. همچنین مناسفانه می‌بینیم مقامات پولی در کشورهای اسلامی با بانک‌های اسلامی همانند بانک‌های کلاسیک برخورد می‌کنند و آن‌ها را بانک‌های اسلامی به حساب نمی‌آورند. نمی‌گویند که این یک بانک اسلامی است، مشارکت آن کو؟ سهام‌گذاری کو؟ بانک‌های فراگیر کجاست؟ در این باره سؤال نمی‌کنند؛ زیرا مسئله بانک‌های اسلامی برای خود مقامات پولی کشورهای اسلامی هم اهمیت ندارد.

بانک‌های اسلامی هم مؤسسات پشتیبانی‌کننده پیدا نمی‌کنند. اینها مؤسسه‌هایی هستند که باید در اقتصاد ایجاد شوند تا بانک‌های اسلامی را برای کار یاری دهند و فعالیت

آن‌ها را آسان‌تر کنند. همچنین محیطی که بانک‌های اسلامی در آن کار می‌کنند، محیط متناسبی نیست. بنابراین، چه باید کرد؟

در خصوص مؤسسه‌های پشتیبانی‌کننده، درمی‌یابیم که بانک‌های اسلامی به مؤسسه‌ای نیاز دارند که جدول اطلاعات آن‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. این یک فرایند بی‌نهایت تخصصی است و به مؤسسات تخصصی نیاز دارد. در این فرایند همچنین به مؤسسه‌ای نیاز است که به ارزیابی سرمایه‌گذاری بپردازد؛ یعنی مؤسسه‌های ربوی‌ای وجود دارند که به ارزشیابی اعتبار می‌پردازند. برای مثال، آن‌ها شرکت‌ها یا مؤسسات را درجه‌بندی می‌کنند. بنابراین، وقتی شرکتی برای اخذ وام به بانک مراجعه می‌کند، می‌داند که ارزشیابی مربوط به آن انجام گرفته است. از این‌رو، بانک اطمینان خاطر دارد و اطلاعات درباره شرکت‌ها و درجه اعتباری آن‌ها برای بانک فراهم می‌باشد. بانک‌های اسلامی به مؤسسات ناظری نیاز دارند که بر فعالیت مؤسسه‌ای که صلاحیت اعتباری را می‌سنجند نظارت کنند. می‌توان صلاحیت اعتباری را صلاحیت سرمایه‌گذاری هم نامید، اما متأسفانه کسی به فکر ایجاد چنین تشکیلاتی، که می‌توانند در فعالیت‌های بانک مشارکت کنند، نبوده است.

**این اطلاعات برای افراد سرمایه‌گذاری که می‌خواهند در عرصه اقتصادی فعالیت کنند، از کجا به دست می‌آید؟**

**دکتر الجارحی:** شرکت‌هایی که تعیین صلاحیت اعتباری می‌کنند، همگام سنجش، از حساب‌های شرکت اطلاع می‌یابند. با کارمندان آن مصاحبه می‌کنند و فعالیت‌های آنان را بررسی می‌کنند و حتی با کارکنان به صحبت می‌نشینند و روش‌های کاری آنان را استخراج می‌کنند. تمام این کارها در فرایند صلاحیت اعتباری انجام می‌گیرد. درباره سرمایه‌گذار نیز چنین است. بنابراین، این کار بسیاری از اطلاعات را برای بانک فراهم می‌کند.

**آیا در بانک‌های اسلامی نهاد بررسی صلاحیت سرمایه‌گذاری وجود دارد؟**

**دکتر الجارحی:** نه وجود ندارد. به نظر من، چنین نهادی وجود ندارد و بانک‌های اسلامی از وجود آن‌ها محروم‌اند. هر کشوری که دارای بانک‌های اسلامی است - [مانند] ایران و سودان - باید نهادها و تشکیلات مربوط به صلاحیت سرمایه‌گذاری را ایجاد کند. علت اینکه در ایران و سودان این نهادها ایجاد نشده‌اند مالکیت عمومی است؛ زیرا اگر بانک خصوصی بود، یعنی مالکیت خصوصی داشت، هرگز پولش را به

هیچ نهادی نمی‌داد تا تمام جزئیات را بداند. در نتیجه، بانک برای خرید این جزئیات و پرداخت پول در این خصوص آمادگی دارد. برخی می‌گویند یک نهاد سنجش صلاحیت سرمایه‌گذاری تأسیس می‌کنیم و خدمات خود را به بانک‌ها یا خود شرکت‌ها می‌فروشیم. یعنی شرکت‌هایی که خواهان پول برای سرمایه‌گذاری هستند مایلند ارزیابی شوند و توسط مؤسسات و نهادهای دیگر مورد سنجش قرار گیرند تا بدین طریق، هنگامی که جهت تقاضای بودجه برای سرمایه‌گذاری به بانک مراجعه می‌کنند، اطلاعات مربوط به آنان آماده باشد و بانک بتواند بدون هزینه زیاد تصمیم بگیرد. برای همین این نهادها در نظام اقتصادی کلاسیک غرب ایجاد شده‌اند؛ بدون اینکه کسی آن را ایجاد کند و دولت‌ها نیز دخیل نبوده‌اند، بلکه خودشان ایجاد شده‌اند و خدماتشان را به شرکت‌ها و بانک‌ها می‌فروشدند. ما نیز در اینجا به همین امر احتیاج داریم. اما این امر نیازمند آن است که دستگاه بانکی و بانک‌های اسلامی در بخش خصوصی باشند و محیط و فضای متناسب فراهم باشد. سوالی که ممکن است مطرح شود این است که مفهوم محیط متناسب چیست؟ مفهوم محیط متناسب فضای عمومی‌ای است که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند.

اولین مشکلی که بانک‌های اسلامی با آن مواجه می‌شوند مربوط به فضای مناسب است. نخستین مشکل، کار در محیطی است که رباخواری در آن غلبه دارد. از این‌رو، می‌بینیم بانک‌های اسلامی با همدیگر رقابت نمی‌کنند، بلکه با بانک‌های ربوی رقابت می‌کنند. برای همین بخش اعظم سرمایه‌گذاری این بانک‌ها مضاربه، سهام‌گذاری و تأمین اعتبار نیست؛ چرا؟ زیرا این بانک‌ها به دنبال تضمین و سرمایه‌گذاری‌های تضمین شده هستند تا بتوانند با بانک‌های ربوی رقابت نمایند.

مسئله دیگر، کار در محیطی است که سرمایه‌گذاری اسلامی را نمی‌فهمد؛ یعنی در کشوری کار می‌کنی که مردم نمی‌دانند سرمایه‌گذاری اسلامی چیست و... در هر کارو فعالیت اقتصادی کسانی که از آن بهره‌مندند و استفاده می‌کنند، باید طبیعت و ماهیت آن را بفهمند تا در نتیجه بتوانند بر شرکت و بانک فشار وارد آورند و خواستار خدمات شوند. بانک‌های اسلامی تحت هیچ فشاری قرار ندارند.

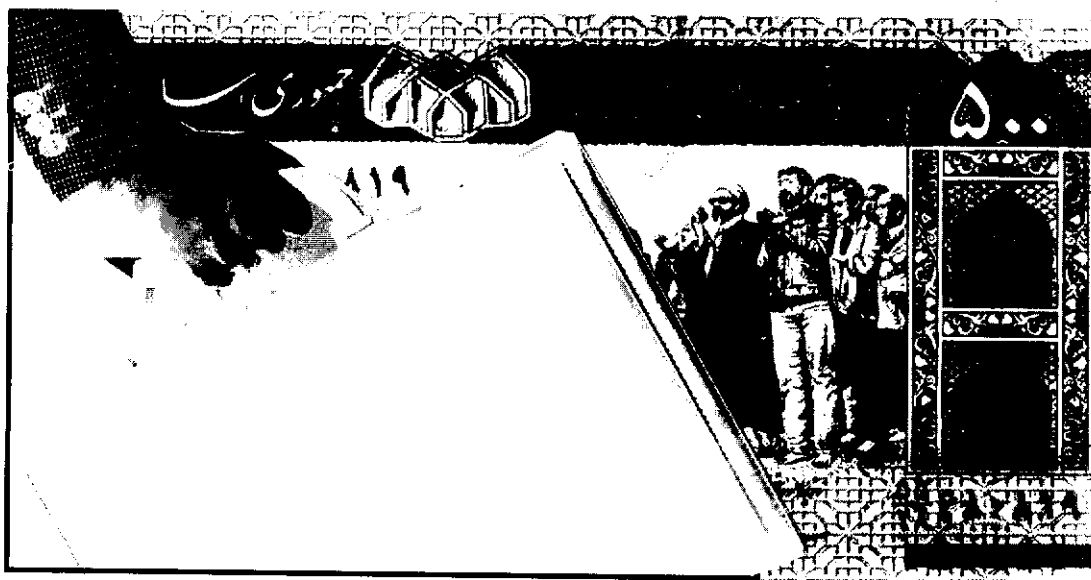
مسئله سوم، عدم توجه به مقام‌های کنترل‌کننده است؛ یعنی مقامات مسئول به کنترل بانک مرکزی اهمیتی نمی‌دهند؛ مهم آن است که حساب‌ها دقیق و پول‌ها موجود باشد. مسئله چهارم که بسیار با اهمیت است، ناخرسندی و دشمنی است. بانک‌های اسلامی به عنوان بخشی از بیداری اسلامی ظهور یافته‌اند. یعنی مسلمانان خواب بودند، سپس بیدار شدند و ما خواهان پیاده شدن اسلام هستیم. بنابراین، این بانک‌ها



## آیا در ایران چنین موردی یافت می‌شود؟

**دکتر الجارحی:** این امور در ایران وجود دارد. کار در محیطی که رباخواری بر آن غلبه دارد، هم‌اکنون به هر صورت در ایران وجود دارد. هرچند علاقه‌مند بودم که اوضاع در ایران بهتر باشد، اما از ابتدا، نظرات فقهای ایران نادیده گرفته شده و اجرا نگردیده و در بانک‌ها دیدگاه‌های اهل فن، که در بانک‌های ربوی پرورش یافته‌اند، غلبه یافته است.

**آیا در بانک‌داری ایران، دیدگاه فن‌گرایان غلبه یافته است؟**



**دکتر الجارحی:** بله، آن‌ها غلبه پیدا کرده و اقدام به وضع مقرراتی کرده‌اند که نرخ سود و اصل سرمایه را تضمین می‌کند و مسئله سرمایه‌گذاری را از چهارچوب اسلامی خارج ساخته و به سوی چهارچوب ربوی سوق داده‌اند و توجه خود را به اشکال قضیه معطوف کرده‌اند.

دوم اینکه، اغلب مردم ایران و مقام‌های رسمی معنای سرمایه‌گذاری اسلامی را درک نمی‌کنند؛ یعنی درک این مسئله ممکن است تنها به اقتصاددانان اسلامی در برخی از دانشگاه‌های ایران و علمای موجود در قم و دانشگاه‌های علوم اسلامی محدود باشد. در بقیه موارد، این درک بسیار اندک است. از این رو، مطالبات تیرومندی وجود ندارد که بانک‌ها به روش مشخصی عمل کنند و این مسئله هیچ اهمیتی در نزد مقامات کنترل‌کننده پیدا نمی‌کند. البته، الحمدلله هیچ نوع ناخرسندی یا دشمنی در ایران با این بانک‌ها وجود ندارد، بلکه بیشتر ناآگاهی و فقدان شناخت است. امیدوارم از این سخن من ناراحت نشوید. اما من حرف حق را می‌زنم؛ همان کاری که بر هر مسلمانی واجب است. ان شاء الله خداوند ما را در زمره کسانی قرار دهد که «یستمعون القول و يتبعون احسنه». همان کاری که

محتوای سیاسی پیدا کرده‌اند. از این رو، قدرت‌هایی که دوست اسلام نیستند و اهمیتی به اجرای آن نمی‌دهند، حداقل در موضع ناخرسندی قرار گرفته‌اند و گاه این ناخرسندی به دشمنی ختم شده است و به درجه‌ای رسیده که بانک‌های اسلامی متهم به تأمین مالی تروریسم و غیره شده‌اند. در حالی که این درست نیست؛ زیرا بانک‌های اسلامی تشکیلاتی نیستند که در تاریکی فعالیت کنند. بانک‌های اسلامی تحت کنترل شدید و شدیدتری قرار دارند؛ زیرا تمامی بانک‌های تجاری یا بانک‌های کلاسیک از سوی یک ناظر کنترل می‌شوند؛ یعنی بانک مرکزی یا دولت، اما بانک‌های اسلامی از سوی قوه

دیگری به نام «شریعت» کنترل می‌شوند؛ و در هر بانک شورای مذهبی به کنترل آن می‌پردازد. این شورا باید از حرکت بانک در مسیر شریعت اطمینان پیدا کند و مقامات پولی هم باید از حرکت آن در مسیر قانون اطمینان یابند. مقامات کنترل‌کننده به دلیل تردیدها و تنفر خود، بانک‌های اسلامی را شدیداً تحت نظر دارند و مقامات شرعی نیز در بسیاری از اوقات نسبت به بانک‌های اسلامی سخت‌گیری می‌کنند. در نتیجه، بانک‌های اسلامی نمی‌توانند وارد فعالیت‌های غیرقانونی شوند و هیچ عملیات مشکوکی را تغذیه نمایند و هیچ‌گاه چنین چیزی ثابت نخواهد شد. آنچه عملاً ثابت شده این است که همه چیز درباره بانک‌های کلاسیک ثابت شده است: پولشویی، تغذیه تروریسم و... .

این تخلفات از بانک‌های تجاری سر زده است، اما از بانک‌های اسلامی هرگز. اما با این وجود، شک و تردید و ناخرسندی و گاه حتی خصومت [با بانک‌های اسلامی] همچنان ادامه یافته است. این محیط نامناسب است و مشکلات بسیاری برای بانک‌های اسلامی به وجود می‌آورد.

رسول خدا ﷺ ما را به آن عادت داده است. به همین دلیل، بانک‌های اسلامی نقش قابل ذکری در سرمایه‌گذاری ندارند. برای مثال، ایران، مصر یا عربستان سعودی و... کشورهای در حال رشد و نیازمند به بانک‌های اسلامی‌ای هستند که روش بانک‌های فراگیر را در پیش بگیرند.

همچنین ما نیاز داریم در کنار کتاب خدا و سنت پیامبر، از تجربه دیگران هم استفاده کنیم؛ چه مسلمان و چه غیرمسلمان. هنگامی که محمد عبده - که از علمای الازهر بود - به فرانسه و غرب رفت و بازگشت، گفت: در آنجا اسلام بدون مسلمان دیدم و سپس به نزد مسلمانان بدون اسلام بازگشتم. ما از تجربه آلمان یا بلژیک یا ایتالیا یا فرانسه، یا سوئیس یا هلند استفاده نمی‌کنیم، تمام این کشورها بانکداری فراگیر را پیاده و از آن استفاده کرده‌اند؛ یعنی این تنها آلمان نبود که به این روند ملحق شد. آلمان از انگلیس عقب‌تر بود. هنگام بروز انقلاب صنعتی در انگلیس، و در نتیجه، وجود بانک‌های فراگیر، آلمان از انگلیس پیش افتاد و به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی اروپا مبدل گشت. پس از جنگ جهانی، آلمان نابود گشت. اما پس از آن مجدداً به بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی اروپا تبدیل شد. یعنی دوباره از انگلیس پیش افتاد. آیا این واقعه به ما درس نمی‌دهد؟ در واقع، ژاپن و آلمان از جمله کشورهایی بودند که برای مدت‌های طولانی نرخ سود در آن‌ها به صفر رسیده و گاه از صفر هم پایین‌تر بوده است. سوئیس هم همین‌طور بود.

### اما پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا به ژاپن در جریان توسعه کمک نمود.

**دکتر الجارحی:** درست است. اما من می‌گویم این امر مهم‌ترین عامل نبوده است؛ زیرا آلمان پیشتر بدون هیچ کمکی بر انگلیس پیشی گرفت. آمریکایی‌ها در آلمان چه کردند؟ بخشی از چیزهایی را که نابود کرده بودند بنا کردند؛ یعنی آن‌ها تمام چیزهایی را هم که در جریان جنگ در آلمان نابود شده بود ساختند. ژاپن هم چنین بود. اما در ژاپن آن‌ها نظام سیاسی را تغییر دادند، دموکراسی را جایگزین امپراتوری ساختند.

پیش از جنگ، آنان یک نهضت صنعتی را تجربه کرده بودند و در آستانه سلطه بر جهان بودند. آیا آن‌ها نتوانستند به آمریکا رفته و پرل هاربر را نابود کنند؟ یعنی نهضت صنعتی ژاپن پیش از جنگ، بدون هیچ کمکی شکل گرفته بود و پس از جنگ با اندک کمکی [به حرکت خود ادامه داد].

البته، آمریکایی‌ها مثلاً می‌گویند بازسازی عراق و نمی‌گویند سازندگی عراق. تنها کلمه بازسازی را به کار می‌برند؛ یعنی عراق سازندگی داشته و سپس نابود شده است.

بنابراین، ما در حقیقت می‌خواهیم درس بگیریم و از تجربه این‌ها استفاده کنیم. این مردم از بانکداری فراگیر استفاده کردند

و این رهنمونی که ما به فضل خدا از رسول خدا دریافت کرده‌ایم به ما می‌گوید که بانک‌های اسلامی با همکاری و مشارکت کار می‌کنند و تنها به مراحله فعالیت نمی‌کنند. بنابراین، باید بانک‌های فراگیر وجود داشته باشد و به این روش کار کند.

**آیا اکنون در آلمان بانک فراگیر متداول وجود دارد؟**  
**دکتر الجارحی:** بانک فراگیر ممکن است به هنگام پیشرفت زیاد کشور، اندکی اهمیت خود را از دست بدهد. از این‌رو، می‌بینیم نقش بانک‌های فراگیر در آلمان روبه ضعف نهاده، اما هنوز هست و نسبت به گذشته کم نتیجه‌تر شده است؛ زیرا آلمان پیشرفت بسیاری کرده و اعتماد به بازارهای بورس بیش از پیش رشد کرده است. این مسئله دیگری است که به بحث و بررسی نیاز دارد. در حقیقت، من شما را تشویق می‌کنم درباره مسائل بانک‌های فراگیر مطالعه و پژوهش کنید و رساله دکتری را در این باره و نحوه پیاده‌سازی آن در ایران یا سودان بنویسید.

### برای بررسی بانک‌های جامع، به کدام منابع می‌توان مراجعه کرد؟

**دکتر الجارحی:** منابع و مراجع زیادی وجود دارد. در خود این مقاله هم چند صفحه منبع ذکر شده است. اما من خواستم این موضوع را مستند کنم تا مسلمانان به آن رو آورند. من هم‌اکنون بالای ۶۵ سال سن دارم. عمر دست خداست. اما می‌خواهم جوانان این مسائل را عهده‌دار شوند و خوب درباره آن‌ها به پژوهش بپردازند.

البته، علت صحبت درباره بانک‌های فراگیر نقش این بانک‌ها یا سرمایه‌گذاری در روند توسعه است. آیا این نقش ثانوی است (همانند کشورهای ما) یا نه، نقش آن محوری است؟ بانک‌های فراگیر، نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی آلمان و سایر کشورهایی را که از این سیستم پیروی کردند محوری و مهم نمود. آن قدر مهم که این کشورها به سرعت دوره‌های طولانی رشد اقتصادی را پشت سر گذاشتند؛ زیرا این کشورها عقب افتاده بودند. آن‌ها پیشرفت کردند و خود را به جمع کشورهای پیشرفته رساندند و حتی از کشوری مثل انگلیس پیش افتادند. بنابراین، این یکی از عوامل است. اما عامل کوچکی نیست، بلکه یک عامل مرکزی و مهم است. با این حال، عوامل دیگر نیز در این زمینه اجتناب‌ناپذیر بود؛ مانند آموزش، سرمایه‌گذاری در آموزش و اینکه آموزش جهت‌دهنده به سوی موضوعاتی است که اقتصاد بدان‌ها نیازمند است نه موضوعاتی که به کار اقتصادی نمی‌آیند. همچنین آموزش همان تربیت نیروی انسانی است و شا کله مبنایی اقتصاد تنها با وجود راه‌های مناسب پیشرفت می‌کند؛ انرژی، منابع انرژی، آب و مواد مشابه.

از جمله عوامل دیگر توسعه آن است که، بخش دولتی یا دولت به عنوان عنصر کمکی عمل کند نه یک عامل تأخیری. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله کشورهای ما، متأسفانه دولت در برابر سرمایه‌گذاری مانع‌تراشی می‌کند و مسائل را پیچیده‌تر می‌سازد. فساد اداری هم [عامل دیگری است]. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ﴾ (نساء: ۲۹) و سپس می‌فرماید: ﴿وَتَذَرُوا إِلَى الْمُكَّامِ لِمَا كُذِّبُوا﴾ (بقره: ۱۸۸)؛ همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خون، مال و آبروی آنان؛ یعنی شما مسلمانید و من هم مسلمان هستم. من نمی‌توانم اموال شما را بر خود حلال کنم و آن را تصاحب کنم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقابل کعبه ایستاد و در توصیف کعبه فرمود: «تو محرم هستی، خداوند تو را محرم داشته است. این بیت‌الحرام است. کسی اجازه ندارد در آن جنگ کند و یا در آن سلاح حمل کند و مردم را بیازارد؛ زیرا این امور حرام است. ولی حرمت خون مسلمان از کعبه نیز بیشتر است.» با تمام این وجود، سرمایه‌گذار وارد کشور مسلمانی می‌شود تا سرمایه‌گذاری کند. اما مال او حلال به حساب می‌آید. از این رو، آن را حلال می‌شمارند و از او رشوه می‌گیرند. در حالی که، رشوه صراحتاً در قرآن حرام شمرده شده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتَذَرُوا إِلَى الْمُكَّامِ﴾ (بقره: ۱۸۸)؛ اموال خود را به حکام ندهید تا حاکم به شما اجازه دهد اموال دیگران را بخورد و به دیگران ظلم کنید. این رشوه است و حرام. دادن و گرفتنش و هرگونه ارتباط داشتن با این کار، حرام است.

این مسائل از جمله عوامل مهم در توسعه هر اقتصادی است. البته، تأکید ما اکنون بر بخش سرمایه‌گذاری است و اگر این بخش تحقق یابد ممکن است امور تا حدی اصلاح شود، ان‌شاءالله.

**آیا می‌توان گفت ساختار کلی کشورهای صنعتی مانند آلمان و یا ژاپن و... نسبت به ساختار کلی حاکم بر کشورها، پذیرش بیشتری در برابر توسعه از خود نشان داده است؟**

**دکتر الجارحی:** در حقیقت، مفهوم ساختار کلی چیست؟ من مثال ساده‌ای بیان می‌کنم: اخلاقیات و وجدان کار. آیا ما در اسلام وجدان کار داریم؟ البته. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هست که می‌فرماید: «خداوند دوست دارد اگر کاری انجام می‌دهید، آن را درست و خوب انجام دهید.» یعنی نمی‌گوید: «خداوند دوست دارد که کاری انجام دهید.» ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ (نساء: ۵۸) کار هم امانت است. ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَعْلُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نَبَأُ تَوَظُّعِكُمْ﴾ (نساء: ۵۸) از این رو، ما تعالیمی داریم که به اخلاقیات کار و

افزایش تولید تشویق می‌کند. ولی چرا مسلمانان بر اساس اخلاقیات کار نمی‌کنند؟ دو علت می‌توان در این زمینه بیان کرد: دلیل اول آن است که، اکثریت مردم از این امر بی‌خبر هستند. یعنی این مفاهیمی که ما درباره آن صحبت می‌کنیم در یک دانشگاه یا یک مرکز پژوهشی شنیده می‌شود. اما اگر به نزد کارگر ساده مسلمان برویم، او این مسائل را نمی‌داند؛ زیرا به وی آموخته نشده. بنابراین، اینجا مسئله آموزش مطرح است.

مسئله دوم، مربوط به وجود الگوست. آیا دانش‌آموخته‌ها، رؤسا و تحصیل‌کرده‌ها و بزرگان ما به این دین عمل می‌کنند؟ آیا آن‌ها به اخلاقیات کار عمل می‌کنند یا خیر؟ شاعر عرب می‌گوید: اگر مسئول خانواده دایره زن باشد، رقص خصلت و خوی تمام اهل خانه است. <sup>(۲)</sup> یعنی اگر بزرگ خانه دایره و طبل بزند، کسانی که اطراف او هستند می‌رقصدند. اما اگر نماز بخواند و روزه بگیرد و دینداری نماید، زن و فرزندانش هم از او پیروی می‌کنند.

بنابراین، اخلاقیات بخشی از این ساختار کلی است. ما نمی‌توانیم بگوییم که ما چارچوب و ساختار کلی نداریم. چارچوب کلی داریم، اما آن را به کار نمی‌بریم. انگیزه‌ها، یعنی کسی که کار می‌کند پیشرفت می‌نماید و کسی که کار نمی‌کند، عقب می‌افتد. آیا این چیزی است که در نظام ما رخ داده؟ در کشور ما عکس این مطلب صحیح است؛ چرا؟ زیرا در هر جایی که یک تصمیم‌گیرنده وجود دارد یا هر جایی که تصمیمی گرفته می‌شود، این تصمیم به نوعی با پارتی‌بازی گرفته می‌شود. جانبداری از دوستان، آشنایان و نزدیکان. فرض کنیم فردی شرکتی دارد یا فروشگاهی دارد. چه کسی در این فروشگاه کار می‌کند؟ آیا او بهترین فرد ممکن است؟ نه، فامیل و دوست خود را برای کار وارد این فروشگاه می‌کند. از این رو، کار در همان سطح نیست. همچنین حرمت مال تنها به مال خصوصی و فردی اختصاص ندارد، بلکه اموال عمومی را هم شامل می‌شود؛ یعنی در اسلام اموال عمومی همانند اموال خصوصی حرمت دارد؛ زیرا به مسلمانان تعلق دارد. خلقت تساهل در جمع‌آوری زکات را نمی‌پذیرفتند. ابوبکر می‌گوید: به خدا قسم اگر طنابی را که با آن شتر را می‌بندند به پیامبر به عنوان زکات می‌دادند و می‌خواستند به من ندهند، بر سر آن با ایشان نبرد می‌کردم. زیرا این مال عمومی است و حق تمام مسلمانان به عنوان یک کل است. این زکات جمع می‌شود تا برای مصالح مسلمانان صرف شود. بنابراین، تساهل در آن جایز نیست. اما اگر ما بدانیم که چیزی جز اموال عمومی است، در آن تساهل می‌کنیم؛ همه سعی می‌کنند آن را به سرقت ببرند یا آن را به دست آورند و مسائل بسیار دیگر. در حقیقت، این ساختار کلی است. یعنی چیزهای معینی است که می‌توان بر آن‌ها دست یافت و همانند دیگران که آن را پیاده کردند، آن‌ها را عملی‌سازیم و به

فرزنداندان بیاوریم. چیزی که هست این است که ما به بهبود و اصلاح نظام اقتصادی نیاز داریم؛ اگر نظام اقتصادی بهبود یابد، در آن رقابت و انگیزه خواهد بود؛ زیرا می‌دانیم اگر فرد کار نکند هرگز پیشرفت نخواهد کرد و با کار می‌توان ترقی کرد و به [اهداف] رسید. این چیزی است که ما نیاز داریم.

به مبحث خود باز می‌گردیم. نقش بانک‌های اسلامی در توسعه چگونه بهبود می‌یابد؟ نخستین چیزی که باید درباره بانک‌های اسلامی انجام دهیم، آن است که ما باید سرمایه آن را افزایش دهیم. اما چگونه؟ یا از راه افزایش سهام‌گذاری‌ها؛ یعنی انتشار سهام بیشتر، یا اینکه آن‌ها را در همدیگر ادغام کنیم؛ یعنی دو، سه یا چهار بانک را در هم ادغام نماییم. ببینید فردی می‌گفت: من دو میلیون دلار دارم. هم‌اکنون دو میلیون دلار فقط به درد یک فروشگاه پسته می‌خورد نه یک بانک. کمترین میزان برای بانک در این زمینه یک میلیارد دلار است؛ یعنی دو میلیارد دلار امروزه ارزش چندانی برای یک بانک ندارد.

### در این زمینه آیا نیاز به کمک مراجع بین‌المللی اسلامی نداریم؟

**دکتر الجارحی:** به همین منظور من آماده‌ام به امارات بروم و با آن‌ها درباره تأسیس یک بانک در ایران صحبت کنم. اما در حقیقت انتظار ندارم موفقیتی حاصل شود. آن‌ها خواهند پرسید آیا دولت کار ما را تسهیل خواهد کرد یا قید و بندهایی وجود دارد؟ آیا باید رشوه بدهیم؟ [یعنی همه این مسائلی را که به شما گفتم] آیا آن‌ها در کار ما دخالت خواهند کرد؟ آیا از ما خواهند خواست برخی افراد و برخی از عزیزان و نورچشمی‌ها و... را برای کار در بانک منصوب کنیم و... همچنین آن‌ها اوضاع کشور شما را از تجار ایرانی هم سؤال خواهند کرد و اگر دریابند که مشکلات زیادی در کار وجود دارد، خواهند گفت: به ما ارتباطی ندارد. اما اگر دریابند که می‌توان بر این مسائل فایز آمد - که ان‌شاءالله همین طور خواهد بود - پیش خواهند آمد.

### در مجلس ایران قانون مجاز بودن استفاده از سرمایه‌های خارجی تصویب شده است، آیا این موضوع به این امر کمک نمی‌کند؟

**دکتر الجارحی:** گام اول افزایش حجم بانک‌هاست. من هنگامی که افتخار شرکت در بررسی «تأسیس بانک اسلامی ابوظبی» را داشتم، از ایشان خواستم سرمایه [بانک] یک میلیارد و یا بیش از یک میلیارد دلار باشد. در حقیقت، من چهار میلیارد درهم را برای این منظور تعیین کردم. اما آن‌ها این نظر را قبول نکردند و گفتند هرگز نمی‌توانیم این مبلغ را جمع‌آوری کنیم؛ یعنی از کجا چهار میلیارد درهم یا یک میلیارد دلار

بیاوریم؟ من به آن‌ها گفتم: به خدا توکل کنید این مبلغ فراهم خواهد شد. هنگامی که سهام را منتشر کردند چیزی بیش از ده میلیارد درهم؛ یعنی حدود ۲/۵ یا نزدیک به ۳ میلیارد دلار جمع‌آوری شد.

هنگام پذیرهنویسی، مجموع مبالغ ۳ میلیارد دلار بود. به آن‌ها گفتم تمام این مبلغ را بپذیرید. آن‌ها تمام این میزان را بپذیرفتند و تنها یک میلیارد درهم گرفتند؛ یعنی حدود ربع میلیارد دلار. من امیدوار بودم این بانک حداقل یک میلیارد دلار سرمایه داشته باشد و هنوز هم در رؤیای یک بانک اسلامی با این میزان سرمایه هستیم؛ زیرا این میزان کمترین حدی است که یک بانک سطح بالا یا مترقی با آن شروع می‌کند. یعنی کسانی که برای خرید سهام آمده بودند، بیش از ده میلیارد درهم یا ۳ میلیارد دلار درخواست دادند، اما آن‌ها قبول نکردند که به این میزان سهام واگذار کنند. می‌دانید هنگامی که یک شرکت جدید تأسیس می‌شود، پذیرهنویسی اعلام می‌شود و مردم فرم‌های مربوط به پذیرهنویسی را پر می‌کنند و تمایل خود را برای حمایت و پشتیبانی مالی ابراز می‌دارند و بخشی از مبلغ را می‌پردازند. این فرایند خوب مردمی برای جذب سرمایه است.

### آیا هم‌اکنون این بانک افتتاح شده و مشغول فعالیت است؟ **دکتر الجارحی:** این بانک از چند سال پیش کار می‌کند و بانک خوبی است ولی می‌توانست بسیار بهتر از این باشد.

نکته دوم این است که به بانک‌های اسلامی اجازه دهیم مانند بانک‌های فراگیر کار کنند، به این معنا که اجازه سهام‌گذاری در شرکت‌ها را داشته باشند.

برای مثال، قانون بانکداری در ایران باید به بانک‌های اسلامی یا بانک‌های ایرانی - البته تمام بانک‌ها در ایران باید اسلامی باشد - اجازه دهد بخشی از سرمایه خود را از طریق سهام‌گذاری در شرکت‌ها به دست آورند. یعنی بانک یا خود، شرکتی را تأسیس و بخشی از سرمایه آن را تأمین کند و مابقی سرمایه آن را از مردم جمع‌آوری کند و یا اینکه سهام شرکت‌های دیگر را بخرد تا آن را اداره و تأمین نماید، و رابطه ویژه میان شرکت‌ها و بانک‌ها برقرار گردد. این ابتدای کار بانک‌های فراگیر است.

نکته دیگر آنکه، اصول و مقررات کنترل و نظارت بر بانک‌های اسلامی باید با ماهیت این بانک‌ها تناسب داشته باشد؛ یعنی مانند بانک‌های ربوی بر بانک‌های اسلامی کنترل و نظارت اعمال نشود، بلکه باید به عنوان یک بانک اسلامی بر آن‌ها نظارت شود. مثالی از سودان در این باره می‌زنم. این از جمله مسائلی است که در راه آن، قبل از اینکه رژیم سودان به یک نظام اسلامی تبدیل شود، سال‌های طولانی مبارزه کرده‌ام. داشتم می‌گفتم، هر بانک اسلامی چیزی به نام شورای بازرسی

شرعی یا شورای شرعی دارد که وظیفه آن بررسی و بازرسی شرعی است.

شورای شرعی بانک باید وظیفه بازرسی شرعی را به عنوان یک بازرسی داخلی به انجام رساند؛ یعنی اولاً، قراردادهای را تصویب کند. پیش از اینکه قراردادها اجرا شود، شورای شرعی آن را به تصویب می‌رساند. ثانیاً، اجرای قراردادها را زیر نظر بگیرد. یعنی شورای بازرسی و کنترل شرعی می‌تواند اجرای قراردادها را پی‌گیری کند و اگر اشکالی یافت، به آن سریعاً رسیدگی کند. یعنی اگر مغایرت شرعی داشت، پولی که از این تخلف حاصل شده، جدا می‌گردد و در حساب ویژه‌های کنار گذاشته می‌شود و در سود بانک داخل نمی‌گردد. یعنی تخلف منجر به ربا می‌شود و ربا در حساب ویژه‌های (ویژه مستمندان) کنار گذاشته می‌شود و داخل سود بانک نمی‌گردد، تا بانک نتواند ادعا کند که سودهایی را از راه ربا به دست آورده است، این نوعی مجازات برای بانک، و نوعی بازرسی شرعی است.

### چه کسی این شورا را تعیین می‌کند؟

**دکتر الجارحی:** سهامداران؛ زیرا این بازرسی شرعی، بانک را در برابر آنچه خطر بدنامی نامیده می‌شود، حمایت می‌کند. محصول بانک اسلامی، محصول اسلامی است و اگر جز این باشد، بدآوازه می‌شود و با بانک‌های دیگر تفاوتی نخواهد داشت. از این رو، این امر می‌تواند موجب زیان گردد؛ زیرا مسلمانان به محصول و کار آن اعتماد پیدا نمی‌کنند و در نتیجه، به بانک دیگری رو می‌آورند.

کارکرد دیگر در خصوص نظارت و کنترل، نظارت شرعی است که از طریق شورای شرعی بانک مرکزی صورت می‌گیرد. به مسئله بازرسی شرعی بازگردیم. چه کسی این بازرسی شرعی را انجام می‌دهد؟ آیا فقها این کار را می‌کنند؟ آیا تنها فقها می‌توانند به بازرسی شرعی اقدام کنند؟ این ممکن نیست. باید فقها و افراد متخصص و آشنا به اقتصاد اسلامی یا بانکداری اسلامی و نیز افرادی با تخصص حسابداری و امور بانکی وجود داشته باشند تا اطلاعات را جمع‌آوری کنند. دفتر بازرسی شرعی چند نوع قابلیت دارد: شرعی، اقتصادی و ممیزی.

شورای شرعی بانک مرکزی به دو صورت کار بازرسی را انجام می‌دهد:

۱. کنترل دفتری؛ یعنی در دفاتر خود گزارش‌های رسمی بانک را دریافت و بررسی کنند؛
۲. کنترل میدانی؛ یعنی به بانک مراجعه کنند و عیناً کار بانک را بررسی کرده و از فعالیت‌های آن نمونه‌برداری کنند؛ دقیقاً همانند بازرسی خارجی.

### آیا این عمل نوعی کنترل میدانی نیست؟

**دکتر الجارحی:** بله، همین‌طور است. در نتیجه، باید در میان افراد هم آگاه به شرع باشد، هم اقتصاددان و هم ممیز. من از مدت‌ها پیش منادی این نظر بودم. برخی از بانک‌های اسلامی اعتراض می‌کردند و می‌گفتند تو می‌خواهی زمام ما را به دست بانک مرکزی بسپاری. بانک مرکزی ممکن است ما را تحت فشار بگذارد و غیره.

در سودان شورای عالی شرعی ویژه بانک‌های اسلامی در بانک مرکزی قرار دارد و تمامی فعالیت‌های این بانک را بررسی می‌کند.

مسئله دیگری که در خصوص کنترل و نظارت شرعی بر بانک‌ها وجود دارد، فتواست. [اعضای] دفتر بازرسی شرعی در بانک‌ها توسط سهامداران تعیین می‌شوند. فتوا چیزی است که قوانین کلی شرعی برای کار در بانک را معین می‌کند. صدور فتوا نیز توسط هیئت‌های دینی هر کشور انجام می‌پذیرد. اما هر کشور هیئت دینی خاص خود را دارد. مثلاً در مصر مفتی، الازهر و وزارت اوقاف وجود دارد. در حقیقت، برای ما مسلمانان بهتر آن است که دارای یک مجمع فقهی در جهان باشیم. مثلاً بانک‌های اسلامی ایران به یک نظر مشخص نیاز دارند و ما می‌خواهیم تمامی بانک‌های اسلامی در جهان با آن هماهنگ باشند. در این حال، [مثلاً] آیه‌الله تسخیری به مجمع می‌رود و مسئله را بر آنان عرضه می‌کند و با انجام مطالعات و بررسی‌های شرعی، اقتصادی و بانکی به یک نظر مشخص دست می‌یابند تا همه جا پیاده شود.

### کنترل دفتری چگونه است؟

**دکتر الجارحی:** اعضای شورای شرعی در بانک مرکزی کار می‌کنند. هر گزارشی که نیاز داشته باشند از بانک می‌گیرند و این اطلاعات از طریق تلفن یا کامپیوتر به آنان می‌رسد. آن‌ها این گزارش‌ها را در دفترشان تجزیه و تحلیل می‌کنند و پس از آن ممکن است به محل بانک مراجعه کنند و روند عملی کار بانک را ببینند و دفاتر را مشاهده کنند و همه چیز را بررسی کنند.

این عملیات از نظر شرعی نوعی کنترل و نظارت است. البته، کنترل و نظارت بر جوانب مالی، و اداره بانک و فعالیت‌های مالی توسط دفتر دیگری که آن هم در بانک مرکزی است، صورت می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱- مشارکت در سود از پیش تعیین شده.

۲-

اذا كان رب البيت بالندق ضاربا